

## Iran's Security Considerations Regarding the Independence of the Kurdistan Region of Iraq

**Morteza Alavian**

Assistant Professor and Faculty Member of Mazandaran University, Babolsar, Iran

**Mohammad Salmantabarsuoteh\***

Master of Political Science, graduate of Mazandaran University, Babolsar, Iran

Received: 04, July, 2020

Accepted: 10, October, 2020

### Abstract

Iraqi Kurdistan has made great strides in the scientific, economic and political fields since the formation of the federal government. In addition to progress in these areas, it has gained more influence in the region, especially in Kurdish minority countries, by supporting US policies in Iraq as well as its relationship with the Zionist regime. Existence of common borders and cultural and religious commonalities and on the other hand the many developments in recent years in the Kurdistan region compared to the Kurdish regions of Iran, along with the significant contribution of Kurds in the Iraqi political structure, have increased the influence of Iranian Kurds from Iraqi Kurdistan. The main purpose of this study is to investigate the effects of the independence of the Iraqi Kurdistan region on the national security of Iran. Accordingly, the main question of the research is based on what is the impact of the independence of the Iraqi Kurdistan region on the national security of the Islamic Republic of Iran?, Assumes the idea that, given the Kurdish neighborhood of Iran and Iraq and their influence from each other, the possible independence of this region will undoubtedly have a major impact on the security of Iran's Kurdish regions. The results indicate that in the current situation (climate federalism) this impact may only be significant in its economic dimension and in other security components, it will not have much impact on the national security of the Islamic Republic of Iran.

**Key words:** Copenhagen School, Iraqi, Kurdistan Iran, Middle East, National Security.

---

\* Corresponding Author: ms29912991@gmail.com

## ملاحظات امنیتی ایران در قبال استقلال اقلیم کردستان عراق

مرتضی علویان

استادیار علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

محمد سلمان تبارسوته\*

دانش آموخته کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

### چکیده

کردستان عراق بعد از ایجاد دولت فدرالی پیشرفت زیادی را در زمینه های علمی، اقتصادی و سیاسی به دست آورده است. همچنین علاوه بر پیشرفت در این زمینه ها، با حمایت از سیاست های آمریکا در عراق و نیز ارتباط با رژیم صهیونیستی، نفوذ بیشتری در منطقه، خصوصاً در کشورهای دارای اقلیت کردنشین پیدا کرده است. وجود مرز مشترک و اشتراکات فرهنگی و مذهبی و از طرف دیگر پیشرفت های زیاد سال های اخیر در اقلیم کردستان در مقایسه با مناطق کردنشین ایران، در کنار سهم قابل توجه کردها در ساختار سیاسی عراق، تأثیرپذیری کردهای ایران را از کردستان عراق افزایش داده است. هدف اصلی این پژوهش نیز بررسی تأثیرات استقلال اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی ایران است. بر همین اساس، سوال اصلی پژوهش بر این مبنا شکل گرفته است که تأثیر استقلال اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ لذا این نوشتار با بهره گیری از روش تحلیلی- توصیفی و با توجه به افق های ساختارگرایانه مکتب کپنهاگ، این انگاره را مفروض می دارد که با توجه به همسایگی کردهای ایران و عراق و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر بی شک استقلال احتمالی این اقلیم تأثیر زیادی بر امنیت مناطق کردنشین ایران خواهد گذاشت. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که در شرایط کنونی (فدرالی بودن اقلیم) این تأثیرگذاری صرفاً ممکن است در بُعد اقتصادی آن چشمگیر بوده و در سایر مؤلفه های امنیتی مطرح شده، تأثیر چندانی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نداشته باشد.

**واژگان کلیدی:** مکتب کپنهاگ، کردستان عراق، ایران، خاورمیانه، امنیت ملی.



DOI: 10.22080/jpir.2020.2949

\* نویسنده مسئول: ms29912991@gmail.com

صفحات: ۲۲۰-۱۹۱

## مقدمه

کردستان عراق بعد از ایجاد دولت فدرالی، پیشرفت های زیادی را در زمینه های مختلف به دست آورده و علاوه بر پیشرفت در زمینه های علمی، اقتصادی و سیاسی با حمایت از سیاست ها و اقدامات آمریکا در عراق (از جمله حمایت از آمریکا در جنگ با عراق در سال ۲۰۰۳) و همچنین ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی، نفوذ بیشتری در منطقه، خصوصاً در کشورهای دارای اقلیت کردنشین، پیدا کرده است. وجود مرز مشترک و اشتراکات فرهنگی و مذهبی بین کردستان عراق و مناطق کردنشین ایران و از طرف دیگر پیشرفت های زیاد سال های اخیر در اقلیم کردستان در مقایسه با مناطق کردنشین ایران، در کنار سهم قابل توجه کردها در ساختار سیاسی عراق، تأثیرپذیری مناطق کردنشین ایران را از کردستان عراق افزایش داده و این موضوع می تواند تأثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. از طرف دیگر رژیم صهیونیستی با حضور در کردستان عراق و ایجاد روابط اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی درصدد اشرف اطلاعاتی بر جمهوری اسلامی ایران است. این رژیم با ایجاد شرکت های پوششی و حضور در پروژه های اقتصادی و تجاری کردستان عراق، حضور خود را در این منطقه افزایش داده و همواره از استقلال اقلیم کردستان حمایت کرده و استقلال احتمالی این منطقه می تواند منافع زیادی را برای آن کشور داشته باشد.

کردهای خاورمیانه دارای جمعیتی در حدود ۳۲/۵ میلیون نفر و اغلب در کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه ساکن می باشند که تاکنون نتوانسته اند کشور مستقلی را ایجاد کنند (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۶۱). از جمعیت ۳۲/۵ میلیون نفری کردها، حدود ۶ میلیون نفر آن در مساحتی در حدود ۷۴،۰۰۰ کیلومترمربع در اقلیم کردستان عراق قرار دارد (حدود ۲۰ درصد جمعیت عراق). در جمهوری اسلامی ایران کردها حدود ۶/۴ میلیون نفر جمعیت دارند که (حدود ۹ درصد از جمعیت کشور) در مساحت ۱۲۵،۰۰۰ کیلومترمربع سکونت دارند (لازریف، ۱۳۸۱: ۵). در سوریه کردها حدود ۲ میلیون نفر از جمعیت ۳۲ میلیونی کردها را تشکیل می دهند (۹ درصد از جمعیت سوریه) که در نواحی کوهستانی شمال سوریه در مساحتی حدود ۱۸۳،۰۰۰ کیلومترمربع سکونت دارند. همچنین در ترکیه نیز کردها با جمعیت ۱۸ میلیون نفری در مساحتی حدود ۱۹۴،۴۰۰ کیلومترمربع قسمت زیادی از مناطق استان های جنوب شرقی ترکیه را به خود

اختصاص داده اند (عبدالله پور، ۱۳۹۱: ۱۸). این اقلیم با ترکیه حدود ۳۵۰ کیلومتر، سوریه ۱۰۰ کیلومتر و قسمت زیادی از مرز ۱۶۰۹ کیلومتری ایران و عراق را مناطق کردنشین ایران تشکیل می دهد (قزاز<sup>۲</sup>، ۱۳۸۱: ۱۵). وجود مرز مشترک بین کردستان عراق و سه کشور کردنشین ایران، سوریه و ترکیه و تأثیرگذاری کردهای عراق بر مردم کرد سایر کشورها، اهمیت این منطقه را افزایش داده است.

کردها در عراق جنگ های زیادی را با دولت های مرکزی برای رسیدن به استقلال انجام داده اند اما هیچ کدام منجر به استقلال کامل آنها نشد. در سال ۱۹۹۱ با حمله عراق به کویت و اتحاد کشورهای مخالف سیاست های حمله صدام، این فرصت به کردها داده شد تا قیام خود را بیش از پیش علنی کنند. بنابراین کردها (پیشمرگه ها) با حمایت ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا که منطقه پرواز ممنوع را طراحی و اجرا کردند (بالای مدار ۳۶ درجه) تا مانع از حملات ارتش صدام حسین به کردهای شمال عراق شوند، توانستند در سال ۱۹۹۲ مجلس و حکومتی نسبتاً خودمختار را تأسیس کنند. پس از درگیری های داخلی بالاخره دو حزب قدرتمند اقلیم کردستان یعنی حزب دموکرات و میهن توانستند در سال ۲۰۰۳ در سایه همکاری هایی که با نیروهای آمریکایی در عراق داشته اند، قدرتی بیش از پیش بگیرند تا جایی که در سال ۲۰۰۵ قانون اساسی عراق حق خودمختاری در ذیل قدرت دولت مرکزی عراق را برای حکومت بر سه استان سلیمانیه، اربیل و دهوک به کردها واگذار کرد (امینی، ۱۳۹۷: ۲). بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و همکاری کردها در سرنگونی رژیم بعث، زمینه فدرالی شدن قانونمند آنها شکل گرفت و در نهایت این موضوع در قانون اساسی عراق نیز تصویب شد. شکل گیری این حکومت فدرالی و در ادامه تثبیت موقعیت آن در قانون اساسی عراق و گرفتن برخی امتیازات در سال های بعد؛ از جمله به رسمیت شناخته شدن حکومت منطقه ای و اصل فدرالیسم، قانونی اعلام شدن نیروی نظامی کردها، رسمی شدن زبان کردی در کنار مشارکت گسترده کردها در هرم قدرت حاکمیت سیاسی مرکزی، چهره اقلیم کردستان را دگرگون کرد و موجب شد که آنها وزن بیشتری در منطقه به دست آورند. با توجه به همسایگی کردهای ایران و عراق و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر بی شک استقلال این اقلیم، بی تأثیر بر امنیت مناطق کردنشین ایران و متعاقب آن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیست اما در شرایط فدرالی کنونی این تأثیرگذاری صرفاً ممکن است در بُعد اقتصادی

۲. Qazaz

آن چشمگیر بوده و در سایر مؤلفه های امنیتی مطرح شده در این پژوهش، تأثیر چندانی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نداشته باشد.

بر همین اساس، هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان تأثیرگذاری استقلال اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی ایران است. در همین راستا با پرداختن به این سؤال اصلی که تأثیر مسئله استقلال اقلیم کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ با توجه به افق های ساختارگرایانه مکتب کپنهاگ، به مسئله استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر مناطق کردنشین ایران در بخش های سیاسی، نظامی و امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و تبعات منفی آن بر امنیت ملی ایران پرداخته شده است. همچنین در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده و برای پرداختن به این مسئله از منابع کتابخانه ای، مقالات و پایان نامه ها و همچنین در برخی موارد از منابع اینترنتی کمک گرفته شده است.

## ادبیات پژوهش

در رابطه با موضوع پژوهش آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است که هر یک در صدد بوده اند تا از زوایه ای خاص موضوع را مورد بررسی قرار دهند. در همین ارتباط، عباس زاده و یوسف پور (۱۳۹۵)، در مقاله ای با عنوان "فدرالیسم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران"، این گونه بیان می نمایند که: کردستان عراق بعد از ایجاد دولت فدرالی، در زمینه های علمی، اقتصادی و سیاسی پیشرفت نموده و ارتباط آن با رژیم صهیونیستی منجر به نفوذ بیشتری در منطقه شده است.

شهیدی (۱۳۹۶)، در مقاله ای با عنوان "استقلال اقلیم کردستان عراق و واکنش های احتمالی جمهوری اسلامی ایران"، این موضوع را مطرح می نماید که اصرار و اجماع کردها نسبت به استقلال ناشی از آن است که مقامات اقلیم به این جمع بندی رسیده اند که در حل مشکلات و مطالبات خود با دولت مرکزی بغداد به بن بست رسیده اند لذا به آخرین حربه یعنی همه پرسی استقلال روی آورده اند؛ آن هم در برهه زمانی پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی عراق.

هانوو<sup>۳</sup>، نادر و اسکاتن (۲۰۱۶)، در کتابشان با عنوان "تأثیرات منطقه ای استقلال کردستان" می‌کوشند تا در پنج فصل مختلف واکنش های ایران، ترکیه و عراق به استقلال احتمالی اقلیم کردستان را پیش بینی کنند. لازم به ذکر است در بخش هایی از این کتاب هم به دیدگاه های «اردشیر پشنگ»، سردبیر فراتاب و پژوهشگر مسائل کردها رفرنس داده شده است. او پیشنهاد می‌کند که ایران همبستگی زبانی و فرهنگی خود با کردها؛ نظیر سنت‌های مشترک از جمله نوروز را برجسته کند. چنین رویکردی مشابه استراتژی ترکیه در کوبیدن بر طبل ترکستان بزرگ است که از آناتولی تا مغولستان امتداد می‌یابد.

به هر حال نوآوری این پژوهش، بهره گیری از رهیافت نوین مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی و تلاش متفکران آن بر خروج از امنیت تک بعدی نظامی و طرح امنیت فراگیر در پی ظهور تهدیدات جدید در مؤلفه های کلیدی امنیت ملی (نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) است که تا کنون در پژوهش های گذشته به این شیوه به آن پرداخته نشده است. بنابراین با توجه به رویکرد تخصصی این مکتب در تحلیل امنیت می توان به عنوان الگویی مناسب در تحلیل مسائل امنیتی معاصر رسید که فهم و درک آن برای پژوهشگران آسان تر خواهد بود.

### ۱. چارچوب نظری؛ مکتب کپنهاگ

هر نظریه و رویکردی مبتنی بر یک سلسله مفروضات و گزاره هایی است که بر اساس آن نهادها، فرآیندها و پدیده های گوناگون مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرند (قوام، ۱۳۹۳: ۱۶۷). اعضای مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ؛ اوله ویور<sup>۴</sup> و گروهی از نظریه پردازان، به بسط نگرشی سازنده در راستای امنیت پرداخته اند که حاکی از مسیری جدید در مطالعات مربوط به امنیت است. نخستین کتاب مکتب کپنهاگ عبارت است از: «امنیت: چارچوب جدیدی برای تحلیل»، به قلم باری بوزان، اوله ویور و جاپ دو ویلد<sup>۵</sup>، این کتاب بیانگر چارچوبی جامع از تحلیل مطالعات امنیت است. در این کتاب دیدگاه سنتی به امنیت که تأکید فراوانی بر مقوله نظامی گری و حوزه نظامی دارد، رد می شود. در عوض بررسی خصوصیات امنیت به طور کل در پنج حوزه در

<sup>3</sup> . Hannover

<sup>4</sup> . Ole Weaver

<sup>5</sup> . Jaap de Wilde

دستور کار قرار می گیرد: «نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی». نویسندگان کتاب بر این عقیده اند که امنیت، نوع خاصی از سیاست است که در گستره وسیعی از مسائل کاربرد دارد (اسماعیل زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

واژه «امنیت سازی» بر اساس مقاله ویور در سال ۱۹۸۹ با عنوان «امنیت، کنش گفتاری: تحلیل سیاست های یک واژه» شکل گرفت. ویور در ابتدا به تعریف امنیت به عنوان یک «کنش گفتاری» پرداخت و نشان داد که معنای امنیت با «گفتمان امنیت» پیوند دارد. این به آن معناست که یک مشکل غیرامنیتی می توانست صرفاً به واسطه روش تفسیر آن بازیگر سیاسی از موضوع، مشکلی امنیتی به نظر برسد؛ به عبارت دیگر، بحث اصلی تئوری امنیت سازی این است که در روابط بین الملل، هنگامی که موضوعی تبدیل به یک مسئله امنیتی می شود، علت این نیست که آن موضوع تهدیدی عینی برای کشور محسوب می شود بلکه در واقع به این سبب است که یک بازیگر سیاسی چیزی را به عنوان یک تهدید وجودی تعریف کرده است. بنابراین تنها هنگامی یک موضوع تبدیل به موضوعی امنیتی می شود که به آن شکل برچسب زده شود. هرچند بنا بر اظهارات نیکلاس گولور، روش شناسی کنش گفتاری بسیار محدود است و از ادعان به نقش زمینه فیزیکی در برقراری امنیت بازمی ماند (همو).

مکتب کپنهاگ تلاش کرده است به «گسترش» و «تعمیق» تعریف امنیت از طریق بیان این موضوع بپردازد که تهدیدات غیرنظامی می توانند امنیت، ثبات و بقای کشورها و همچنین زندگی افراد را تضعیف کنند. هرچند برخی دانشمندان به اصطلاح سنتی به مخالفت با دیدگاه «غیرسنتی ها» برخاسته اند. سنت گرایان طرفدار حفظ مفهوم جنگ سرد از امنیت، تعریفی نظامی و دولت محور از تهدید امنیتی ارائه می کنند. استفان والت<sup>۶</sup> برای مثال، دیدگاه سنتی را تشریح می کند که کاربرد امنیت را محدود به تهدیدات در حوزه نظامی می داند. بنابراین او امنیت را معادل با صلح در نظر می گیرد و یا به تعبیری بهتر موقعیتی بدون هیچ درگیری نظامی.

براساس پیشرفت های انجام شده در محیط پساجنگ سرد، دیدگاه سنتی امنیت مورد انتقاد بسیاری از دانشمندان قرار گرفت. انتقاد اصلی بر تعریف سنتی از یک تهدید امنیتی است که طی آن درگیری بین دولتی به عنوان منبعی از نا امنی تلقی نمی شود. طبق نظریات بوزان و هانسن در بیشتر مدت جنگ سرد، مطالعات امنیتی بین المللی به واسطه یک برنامه عمدتاً نظامی تعریف می

<sup>6</sup> . Stephen Walt

شد اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد، همزمان با پیشرفت رقابت تسلیحاتی هسته‌ای، این واژه به واسطه استقرار امنیت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و انسانی توسعه یافت، و نه یک برنامه نظامی - سیاسی صرف (اسماعیل زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۲۷). در حال حاضر نگرش‌های بسیار متفاوتی در رابطه با نحوه مطالعه و تحلیل امنیت وجود دارد. اگرچه دستیابی به یک توافق جمعی در خصوص روش تعریف امنیت هنوز محقق نشده است؛ شکی وجود ندارد که مکتب کپنهاگ حوزه وسیع تری را برای مفهوم امنیت ارائه کرده و بنابراین دارای کاربرد بیشتری در سیستم جهانی است. بنابراین با توجه به آرا و نظریات مکتب کپنهاگ، درحالی که عوامل عینی و مادی در درک امنیت حائز اهمیت هستند، تحلیل دامنه وسیع تری از امنیت که شامل بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است، مهم تلقی می‌شوند. در این رابطه، به منظور مشاهده این موضوع که آیا استقلال اقلیم کردستان عراق یک تهدید امنیتی برای ایران به حساب می‌آید یا خیر، جنبه‌های مرتبط گوناگونی از تهدید امنیتی استقلال اقلیم کردستان عراق ضد ایران، بر طبق مکتب کپنهاگ در بخش بعدی این مطالعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

یادآوری این نکته ضروری است که بوزان، اولین نقدهای جدی بر روی رهیافت‌های امنیتی موجود را از اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح ساخت که بر اساس آن، بقای دولت‌ها یا بازیگران دولتی فقط توسط اسباب و عوامل نظامی مورد تهدید قرار نمی‌گیرند بلکه باید سایر حوزه‌های موضوعی - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را نیز بدان اضافه کرد. عوامل اجتماعی نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ به ویژه حائز اهمیتند. این امر، موضوع امنیت ملی را به هویت ملی ربط داده و باعث می‌شود که موضوع مزبور جزء ترکیب‌کننده امنیت ملی به حساب آید. بنابراین اگرچه به طور سنتی، نظریه امنیت ملی به حوزه نظامی وابسته بود، اما امروزه این امنیت ملتهاست که به عنوان مهمترین به وجود آورندگان مفهوم هویت، امنیت ملی را تعیین می‌نماید (همو، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

بوزان تأکید اصلی خود را در تحلیل امنیت بر سطح تحلیل منطقه‌ای می‌گذارد و معتقد است کشورها باید در سیاست خارجی خود جایگاه ویژه‌ای به «ابعاد منطقه‌ای امنیت» اختصاص داده و امنیت را در ابعاد چندبعدی آن پیگیری نمایند؛ به عبارت دیگر وجه تمایز اصلی او، مطالعات امنیتی دوران پساجنگ سرد از دوران جنگ سرد، وسعت دامنه امنیت و شمول موضوعاتی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنایی (تروریستی) فراملی و فروملی و محیط زیست و رفاه اقتصادی است که قبلاً در تعاریف امنیتی لحاظ نمی‌شدند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۱). با توجه به مقوله‌های مذکور و



نیز افق های ساختارگرایانه مکتب کپنهاگ، ناامنی های به وجود آمده در مناطق پیرامونی ایران، امنیت آن را در حوزه های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تهدید می کند. لذا به منظور شفافیت بیشتر ابعاد پنجگانه امنیت، می توان تأثیر استقلال طلبی اقلیم کردستان عراق را بر امنیت ایران در هریک از این مقوله ها و ابعاد سنجیده و به طور جداگانه به بررسی مسائل اصلی تأثیرگذار بر این جنبه ها پرداخت.

## ۲. میزان تأثیرگذاری مؤلفه های امنیت ملی بر اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران

در بررسی امنیت ملی براساس مکتب کپنهاگ، توجه به سه رهیافت رئالیستی، لیبرالی و رهیافت ترکیبی حائز اهمیت است. رهیافت رئالیستی با تقدم امنیت نظامی در روابط بین الملل تأکید می کند. از دیدگاه رئالیست ها، دولت ها با حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، منافع خود را دنبال کرده و اغلب تهدیدات خاستگاه خارجی دارند و این دیدگاه نگاهی سخت افزاری به امنیت ملی دارد. در مقابل، رهیافت لیبرالی نگاه جدید به امنیت ملی داشته و تأکید می کند که امنیت ملی صرفاً قلمرو نظامی را در بر نمی گیرد و قابلیت های علمی، عضویت در پیمان های امنیتی و سایر عوامل نرم افزاری را برای برقراری امنیت ضروری می داند. رهیافت سوم نیز ترکیبی از این دو دیدگاه را در برقراری امنیت ملی ضروری می داند. به دلیل نبود قدرت سخت افزاری مناسب و یا قدرت نرم افزاری قوی در کشورهای خاورمیانه و نیز نوع ساختار آنها، این رهیافت برای برقراری امنیت در این کشورها مناسب است (ادوارد ای، ۱۳۸۹: ۳۱).

بنابراین با عنایت به این مقدمه اجمالی، برای بررسی موقعیت امنیتی ایران در برابر استقلال احتمالی اقلیم کردستان، پنج مؤلفه تأثیرگذار بر امنیت ملی کشورهای خاورمیانه (بر اساس مکتب کپنهاگ) شامل سیاست، اقتصاد، نظامی و امنیتی، منابع طبیعی حیاتی و زیست محیطی و قابلیت های فرهنگی و اجتماعی در خصوص ایران و اقلیم کردستان عراق قابل طرح خواهد بود که در ادامه به میزان تأثیرگذاری این مؤلفه ها در شرایط فدرالی کنونی و استقلال احتمالی اقلیم کردستان عراق بر مناطق کردنشین ایران و متعاقب آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

## ۲-۱. مؤلفه اول؛ سیاست

### ۲-۱-۱. وضعیت مشروعیت سیاسی و مؤلفه های تأثیرگذار (در اقلیم کردستان عراق و ایران)

مشروعیت، وجه نرم افزار قدرت و امنیت ملی محسوب می شود و دولت هایی که از مشروعیت لازم برخوردار نباشند، نمی توانند دوام زیادی داشته باشند و درنهایت در اثر تحولات داخلی و یا دخالت های خارجی سرنگون خواهند شد. موضوع مهم دیگری که لازم است در رابطه با مشروعیت در کشورها به آن توجه نمود، مشروعیت همراه با مقبولیت است که به مشروعیت دولت ها ثبات و دوام می بخشد. وجود قوای مقننه، قضائیه و مجریه مستقل و کارآمد می تواند اعتماد مردم به حکومت ها را افزایش دهد و مشروعیت ایجاد نماید. همچنین مؤلفه های دیگری از جمله انتخابات و میزان مشارکت مردم، میزان خشونت های سیاسی، ناتوانی دولت در برآورده کردن نیازهای مردم، حقوق اقلیت ها و... بر مشروعیت دولت ها تأثیرگذار هستند (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۴۴).

در کشور جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان نیز مشروعیت از مؤلفه های توضیح داده شده تأثیرپذیر می باشد. در ایران انتخابات در سطوح مختلف برگزار می شود. همه قوا با رأی مستقیم یا غیرمستقیم مردم تعیین می شوند. قوه مجریه و مقننه توسط مردم انتخاب می شوند و قوه قضائیه توسط رهبر ایران که خود توسط مجلس خبرگان رهبری انتخاب می گردد، تعیین و معرفی می شود. اعضای مجلس خبرگان رهبری نیز توسط مردم انتخاب می شوند. در ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ همه پرسى نظام جمهوری اسلامی با مشارکت و رأی بی سابقه تصویب شد. ۱۲ مرداد انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی برگزار شد و پس از نهایی شدن، ۱۲ آذرماه سال ۱۳۵۸ قانون اساسی را به همه پرسى گذاشتند. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چهار دسته انتخابات در این کشور برگزار می شود: انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا و انتخابات مجلس خبرگان رهبری. تاکنون بیش از سی و شش رأی‌گیری و انتخابات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شده است. انتخابات ریاست جمهوری در ایران تاکنون دوازده دوره برگزار شده و میزان مشارکت مردمی بالایی نیز داشته است در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم، میزان مشارکت ۸۴/۸۳ درصد بوده و در هیچ یک از

انتخابات ریاست جمهوری میزان مشارکت پایین‌تر از پنجاه درصد نبوده است. در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز در اکثر موارد آمار مشارکت بالا بوده است.

**جدول شماره (۱): انتخابات برگزار شده و میزان مشارکت عمومی در ایران**

ردیف	انتخابات	تاریخ برگزاری	واجدان	رای‌دهندگان	میزان مشارکت
۱	همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی	۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸	۲۰ ۸۵۷ ۳۹۱	۲۰ ۴۴۰ ۱۰۸	۹۸ درصد
۲	خبرگان بررسی قانون اساسی	۱۲ مرداد ۱۳۵۸	۲۰ ۸۵۷ ۳۹۱	۱۰ ۷۸۴ ۹۳۲	۵۱ ۷۱
۳	همه‌پرسی تأیید قانون اساسی	۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸	۲۰ ۸۵۷ ۳۹۱	۱۵ ۶۹۰ ۱۴۲	۷۵ ۲۳
۴	ریاست جمهوری ۱	۵ بهمن ۱۳۵۸	۲۰ ۹۹۳ ۶۴۳	۱۴ ۱۵۲ ۸۸۷	۶۷ ۴۲
۵	مجلس ۱	۲۴ اسفند ۱۳۵۸	۲۰ ۸۵۷ ۳۹۱	۱۰ ۸۷۵ ۹۶۹	۵۲ ۱۴
۶	ریاست جمهوری ۲	۲ مرداد ۱۳۶۰	۲۲ ۶۸۷ ۰۱۷	۱۴ ۵۷۳ ۴۹۳	۶۴ ۲۴
۷	ریاست جمهوری ۳	۱۰ مهر ۱۳۶۰	۲۲ ۶۸۷ ۰۱۷	۱۶ ۸۴۷ ۷۱۵	۷۴ ۲۶
۸	خبرگان ۱	۱۹ آذر ۱۳۶۱	۲۳ ۲۷۷ ۸۷۱	۱۸ ۰۱۳ ۰۶۱	۷۷ ۳۸
۹	مجلس ۲	۲۶ فروردین ۱۳۶۳	۲۴ ۱۴۳ ۴۹۸	۱۵ ۶۰۷ ۳۰۶	۶۴ ۶۴
۱۰	ریاست جمهوری ۴	۲۵ مرداد ۱۳۶۴	۲۵ ۹۹۳ ۸۰۲	۱۴ ۲۳۸ ۵۸۷	۵۴ ۷۸
۱۱	مجلس ۳	۱۹ فروردین ۱۳۶۷	۲۷ ۹۸۶ ۷۳۶	۱۶ ۷۱۴ ۲۸۱	۵۹ ۷۲
۱۲	ریاست جمهوری ۵	۶ مرداد ۱۳۶۸	۳۰ ۱۳۹ ۵۹۸	۱۶ ۴۵۲ ۵۶۲	۵۴ ۵۹
۱۳	همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی	۶ مرداد ۱۳۶۸	۳۰ ۱۳۹ ۵۹۸	۱۶ ۴۲۸ ۹۷۶	۵۴ ۵۱
۱۴	خبرگان ۲	۱۹ مهر ۱۳۶۹	۳۱ ۲۸۰ ۰۸۴	۱۱ ۶۰۲ ۶۱۳	۳۷ ۰۹
۱۵	مجلس ۴	۲۱ فروردین ۱۳۷۱	۳۲ ۴۶۵ ۵۵۸	۱۸ ۷۶۷ ۰۴۲	۵۷ ۸۱
۱۶	ریاست جمهوری ۶	۲۱ خرداد ۱۳۷۲	۳۳ ۱۵۶ ۰۵۵	۱۶ ۷۹۶ ۷۵۵	۵۰ ۶۶
۱۷	مجلس ۵	۱۸ اسفند ۱۳۷۴	۳۴ ۷۱۶ ۰۰۰	۲۴ ۶۸۲ ۳۸۶	۷۱ ۱۰
۱۸	ریاست جمهوری ۷	۲ خرداد ۱۳۷۶	۳۶ ۴۶۶ ۴۸۷	۲۹ ۱۴۵ ۷۵۴	۷۹ ۹۳
۱۹	خبرگان ۳	۱ آبان ۱۳۷۷	۳۸ ۵۵۰ ۵۹۷	۱۷ ۸۵۷ ۸۶۹	۴۶ ۳۲
۲۰	شوراهای اسلامی ۱	۷ اسفند ۱۳۷۷	۳۶ ۷۳۹ ۹۸۲	۲۳ ۶۶۸ ۷۳۹	۶۴ ۴۲
۲۱	مجلس ۶	۲۹ بهمن ۱۳۷۸	۳۸ ۷۳۶ ۴۳۱	۲۶ ۰۸۲ ۱۵۷	۶۷ ۳۵
۲۲	ریاست جمهوری ۸	۱۸ خرداد ۱۳۸۰	۴۲ ۱۷۰ ۲۳۰	۲۸ ۱۵۵ ۹۶۹	۶۶ ۷۷
۲۳	شوراهای اسلامی ۲	۹ اسفند ۱۳۸۱	۴۰ ۵۰۱ ۷۸۳	۲۰ ۲۳۵ ۸۹۸	۴۹ ۹۶
۲۴	مجلس ۷	۱ اسفند ۱۳۸۲	۴۶ ۳۵۱ ۰۳۲	۲۳ ۷۳۴ ۶۷۷	۵۱ ۲۱
۲۵	ریاست جمهوری ۹	۲۷ خرداد ۱۳۸۴	۴۶ ۷۸۶ ۴۱۸	۲۹ ۴۰۰ ۸۵۷	۶۲ ۸۴
		۳ تیر ۱۳۸۴	۴۶ ۷۸۶ ۴۱۸	۲۷ ۹۵۸ ۹۳۱	۵۹ ۷۶
۲۶	خبرگان ۴	۲۴ آذر ۱۳۸۵	۴۶ ۵۴۹ ۰۴۲	۲۸ ۳۲۱ ۲۷۰	۶۱ ۰۰
۲۷	شوراهای اسلامی ۳	۲۴ آذر ۱۳۸۵	۴۳ ۵۰۰ ۰۰۰	۲۸ ۱۹۹ ۹۰۳	۶۴ ۸۳

۵۵ ۴۰	۲۴ ۲۷۹ ۷۱۷	۴۳ ۸۲۴ ۲۵۴	۱۳۸۶ اسفند	مجلس ۸	۲۸
۸۴ ۸۳	۳۹ ۳۷۱ ۲۱۴	۴۶ ۱۹۹ ۹۹۷	۲۲ خرداد ۱۳۸۸	ریاست جمهوری ۱۰	۲۹
۶۳ ۸۷	۳۰ ۸۴۴ ۴۶۲	۴۸ ۲۸۸ ۷۹۹	۱۲ اسفند ۱۳۹۰	مجلس ۹	۳۰
۷۲ ۹۴	۳۶ ۸۲۱ ۵۳۸	۵۰ ۴۸۳ ۱۹۲	۲۴ خرداد ۱۳۹۲	ریاست جمهوری ۱۱	۳۱
۶۲ ۶۵	۳۱ ۶۲۷ ۷۰۴	۵۰ ۴۸۳ ۱۹۲	۲۴ خرداد ۱۳۹۲	شوراهای اسلامی ۴	۳۲
۶۱ ۶۴	۳۳ ۸۴۷ ۱۱۷	۵۴ ۹۱۵ ۰۲۴	۷ اسفند ۱۳۹۴	مجلس ۱۰	۳۳
۶۰ ۹۷	۳۳ ۴۸۰ ۵۴۸	۵۴ ۹۱۵ ۰۲۴	۷ اسفند ۱۳۹۴	خبرگان ۵	۳۴
%۷۳	۴۱ میلیون	۵۶ ۴۱۰ ۲۳۴	۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶	ریاست جمهوری ۱۲	۳۵
%۷۰	۴۰ میلیون	۵۶ ۴۱۰ ۲۳۴	۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶	شوراهای اسلامی ۵	۳۶

(منبع: ستاد انتخابات وزارت کشور).

در اقلیم کردستان تاریخچه انتخابات به سال ۱۹۹۲ برمی گردد. بعد از ایجاد منطقه پرواز ممنوع در مارس ۱۹۹۱، اولین انتخابات پارلمان اقلیم کردستان برگزار شد که به دلیل بروز اختلاف و درگیری بین دو حزب اصلی دموکرات و اتحادیه میهنی، تا ۱۳ سال بعد انتخابات برگزار نشد و دومین انتخابات در اقلیم کردستان در سال ۲۰۰۵ برگزار شد. در این انتخابات اغلب وزارتخانه ها و مسئولیت های مهم در اختیار دو حزب اصلی دموکرات و اتحادیه میهنی قرار گرفت و با توافق میان دو حزب، مسعود بارزانی به عنوان رئیس اقلیم کردستان و جلال طالبانی (نماینده کردها) به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد (هوشمند، ۱۳۸۹: ۶۲). همچنین نیچروان بارزانی از حزب دموکرات به عنوان نخست وزیر و عدنان مفتی از اتحادیه میهنی به عنوان رئیس پارلمان معرفی شدند. در انتخابات سومین دوره اقلیم در سال ۱۳۸۸ حدود ۷۸/۸ درصد مردم شرکت کرده بودند و دوره چهارم در ۳۰ شهریورماه سال ۱۳۹۲ برگزار شد. در مجموع تاکنون چهار دوره انتخابات پارلمانی در اقلیم کردستان برگزار شده است. همچنین با توجه به قوانین وضع شده در اقلیم کردستان، هر فرد دو دوره می تواند رئیس جمهور اقلیم شود (محمدی و خالدی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۲۷). لذا می توان عنوان داشت که انتخابات نهاد مشروعیت سیاسی در هر کشوری است و آنچه در رابطه با مقایسه انتخابات برگزار شده در اقلیم کردستان و ایران می توان جمع بندی کرد، این است که روند انتخابات در اقلیم کردستان در شرایط کنونی (فدرالی بودن) تأثیر چندانی بر مشروعیت سیاسی و امنیت ملی ایران نداشته است.

اما در این میان و با توجه به گسترش فناوری ها و علوم نوین ارتباطی از آغاز سده بیستم نمی توان از تأثیر این امکانات در برانگیختن هویت های مشترک بدون در نظر گرفتن مرزهای سیاسی

غافل شد؛ چرا که گستردگی پیوندهای مجازی در دهه های اخیر و نیز گسترش ارتباطات فراملی هریک به نحوی در ایجاد بستری برای روابط بیشتر و آگاهی افراد از اوضاع و شرایط جای جای جهان مؤثر بوده‌اند و این وسایل ارتباطی هریک به نحوی در رسیدن اخبار وقایع مناطق مختلف گیتی به افراد و گروه های دیگر و نیز آگاهی نسبت به مشکلات مکان های دیگر و نیز پیوند متقابل در سراسر کره خاکی نقشی غیرقابل انکار را ایفا می کنند و ازسوی دیگر، همکاری مشترک میان گروه های محلی یک جنبش را تسهیل می کند و ارتباطات فراملی درون آن را محکم می سازد؛ به عبارت دیگر می توان گفت که پیوندها و ارتباطات فراملی باعث بیداری و خودآگاهی فرهنگی می شوند و این موضوع می تواند باعث شکل گیری جنبش های مقاومت فرهنگی در میان گروه های فرهنگی به حاشیه رانده شده شود(فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸: ۵۳).

در همین زمینه کردهای عراق به منظور یادآوری گذشته این قوم و آشناکردن کردهای منطقه با تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم سعی وافری داشته اند که با پخش اخبار و برنامه هایی با محتوای فعالیت های کردی راید از طریق شبکه های ماهواره ای، محلی، منطقه ای و جهانی گسترش دهند که در همین راستا ارزیابی می شود که هریک از این ها به نحوی باعث احیای ناسیونالیسم قومی به عنوان محرک اصلی خواست های هویتی- قومیتی در مناطق کردنشین شده است و علاوه براین موجب اعتلای بیش از پیش خواست های قومی و برانگیخته شدن عواطف شده است.

تهدیدهای نرم سیاسی اقلیم کردستان را در چند دسته می توان مطرح کرد: نخست، تقویت هویت کردی است؛ در طول دهه های گذشته و از ابتدای قرن بیستم در همه نواحی کردنشین منطقه، جریان های هویت گرای کردی فعال بوده، کمابیش بر یکدیگر تأثیر داشته اند(بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۱۰۲) اما در چند سال اخیر، حکومت اقلیم کردستان عراق به عنوان یک حکومت با بنیان های ناسیونالیسم قومی که در آن هویت کردی به عنوان اصلی ترین و مهمترین عنصر ماهوی و علت وجودی تشکیل حکومت ناحیه ای کردستان عراق نقش اصلی را ایفا می کند، زمینه اعتلای بیش از پیش این مقوله مهم را فراهم کرده است؛ به طوری که توانسته تمایل های قومگرایانه را در مناطق کردنشین کشورهای پیرامون خود بالاخص در ایران تحت تأثیر قرار دهد. این حکومت در راستای آرمان دیرینه کردها پدید آمده که لازمه قوام آن، گسترش هرچه بیشتر هویت کردی در مناطق کردنشین منطقه بوده که این تفکر، موجب مباحثات هر کردی است و به نظر می رسد یکی از عوامل تقویت این مسئله، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم حکومت اقلیم کردستان است که همان پرچم جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۵م است که به نماد ملی کردها مبدل

شده است که این پرچم و نمادهای مشابه در مراسم گوناگون به نمایش گذاشته می شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۱).

در گذشته درخواست خودمختاری در مناطق مورد مناقشه کشورهای دربرگیرنده قومیت کرد هم از سوی نخبگان قومی و هم از سوی توده اکراد مطرح بوده است، اما با توجه به واکنش دولت های مرکزی آن مناطق نسبت به درخواست آنان، خواسته ایشان با ناکامی مواجه شده اما پس از تصویب فدرالیسم در عراق، در مناطق کردنشین منطقه از جمله نواحی کردنشین ایران تشکیل حکومتی برپایه فدرالیسم همانند آنچه در عراق اتفاق افتاد، از سوی معارضان مطرح شد. از این رو به نظری رسد دومین مسئله در تهدیدهای نرم سیاسی مبتنی بر رواج و گسترش اندیشه حکومت داری برپایه فدرالیسم باشد که موفقیت های کردها در ایجاد حکومت خودگردان کردستان عراق، جلب توجه نظام بین الملل در مسئله کردها، جهانی شدن مسائل کردستان عراق از طریق رسانه های عمومی پس از استقرار حکومت خودگردان، حمایت آمریکا، اروپا و سیستم بین المللی از آنان موجب شده است که فدرالیسم به عنوان یک الگوی حکومتی از سوی برخی اکراد معارض مطرح شود که همین مسئله، موجب ترویج این تفکر در کشورهایی مانند ترکیه، سوریه و ایران شده است (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۱۰۴) و در ایران هم، برخی گروه ها و احزاب با تأکید بر امکان ایجاد چنین نظام حکومت داری تأکید می ورزند و علاوه بر آن، موضوع مشارکت کم برخی از مناطق کردنشین ایران در انتخابات مختلف کشور را می توان در زیر مسئله رواج تفکر فدرالیسم) که در سایه انتخاب رئیس جمهور کرد در کشور عراق، تشکیل حکومت خودگردان در کردستان عراق، رشد سیاسی اقوام کرد و رشد منزلت اجتماعی قوم کرد در این کشور صورت گرفته است، تحلیل کرد (همو: ۱۰۵).

ارتقای سطح خواست های قومیتی در سطوح مختلف جامعه کردها در ایران را باید از دیگر تهدیدهای نرم سیاسی حکومت اقلیم کردستان به شمار آورد و به رغم عدم وجود تبعیض قومیتی در کشور، خواست هایی نظیر آزادی ترویج زبان و فرهنگ کردی، رفع تبعیض اقتصادی- اجتماعی و عمران منطقه ای، داشتن اختیارات و حق مشارکت فعال سیاسی و نظایر آنها را باید از جمله درخواست های اکراد دانست (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۳) که به طور عمومی تحت تأثیر تحولات سال های اخیر اقلیم کردستان روند فزونی داشته است. برای بیان افزایش مطالبات کردها از تحول های اخیر و تأثیر آن بر کردهای ایران نمی توان قشری خاص را مطرح کرد که به تنهایی از آن متأثر

بوده باشد؛ چرا که واقعیت این است که تحولات سیاسی شمال عراق، اقشار مختلف کردهای ساکن در کشور ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

برخی از نخبگان اصلاح طلب در دولت رئیس جمهور، سید محمد خاتمی، اولین شرط مشارکت کردها در انتخابات سال ۱۳۸۴ را به رسمیت شناختن حقوق قومی کردهای کشور دانستند و مشارکت کردهای ساکن در ایران را گام اول در راستای مشارکت سیاسی آنان شمردند که این گفته آنان، بازتاب هایی گسترده را در داخل کشور در پی داشت (محمدی، خالدی و سلیم زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۸) و در ادامه روند تأثیرهای سیاسی اقلیم کردستان، نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی از استان های مختلف فراکسیون کرد را تشکیل دادند که به گفته حمیدی، نماینده کرد مجلس، هدف آن جلب نیروهای قومیتی در بدنه دولت است (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). این اتفاق ها گویای آن هستند که تهدیدات نرم سیاسی کردستان عراق ضد جمهوری اسلامی ایران و نیز تأثیرپذیری از آن، به فرد یا گروهی خاص از کردهای ایران منحصر نمی شود، بلکه علاوه بر مردم عادی، نخبگان کشور هم از مسئله تأثیرپذیرفته اند.

بی تردید تهدیدهای نرم اقلیم کردستان به تدریج برخواست آنان برای تحقق کردستان بزرگ خواهد افزود و از آنجا که تهدید نرم به طور نامحسوس بر افکار افراد حاکم می شود، نمی توان میزان گرایش افراد را به تشکیل حکومت مستقل تشخیص داد اما از آنجا که رسانه های کردی با تبحری خاص، اهداف مشترک کردی را مدنظر قرار می دهند، می توان بروز داعیه های قومی در نواحی کردنشین ایران را در آینده پیش بینی کرد. لذا می توان این گونه استنباط کرد که در مؤلفه اول مطرح شده در این فصل (مشروعیت سیاسی)، در شرایط کنونی اقلیم نظر به داده های موجود، اقلیم کردستان عراق تأثیر چندانی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ندارد اما با توجه به توانمندی های عملیات روانی اقلیم و تأثیرپذیری مردمان ساکن در مناطق مرزی ایران در غرب کشور، بی شک هرگونه تغییر در رژیم سیاسی اقلیم، بالاخص استقلال این منطقه، بی تأثیر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود زیرا به سبب این مسئله برای کردهای عراق، انتظاراتی کردهای ایران را نیز به منظور کسب امکانات مشابه بالا برده و به طور مسلم، عنوان چنین درخواست هایی از سوی کردهای ایران دست کم با پشتیبانی کردهای اقلیم کردستان روبرو خواهد شد. در این میان آن چه در داخل ضروری به نظر می رسد، مدیریت صحیح و به دور از برخورد سخت افزارانه و عجولانه است که هریک از مسائل (به رغم وفاداری کردهای کشور به فلات ایران) می توانند ابعاد این موضوع را به پیچیدگی دچار کرده، پیامدهایی نظیر بروز هرج و مرج

اجتماعی، کاهش مشارکت مردمی، افزایش انگیزه های واگرایانه و ایجاد حفره های دولت را در پی داشته باشد. از این روی برای به حداقل رساندن پیامدهای تحول کردستان عراق توجه به نکاتی پیشنهاد می شود:

- تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با یأس و نومییدی القاشده از سوی رسانه های برون مرزی
- تلاش برای حفظ اتحاد میان اقوام ایرانی با تأکید بر آداب، رسوم و فرهنگ های مشترک میان اقوام ساکن در فلات ایران
- افشا و بازگویی اهداف و چهره افراد القاکننده حس ناامیدی و معارضان جدایی طلب
- بازشناخت آسیب های رفتار داخلی برای مقابله با سوءاستفاده جنبش های معارض
- برنامه ریزی، طراحی و اجرای امنیت هوشمند در راستای کنترل، جلوگیری و خنثی سازی تبلیغات و تحرک های رسانه ای
- همفکری با سران اقوام کردزبان برای بررسی چالش ها و فرصت های مقابله با تهدیدهای نرم اقلیم کردستان
- استفاده از ظرفیت های فکری و اجرایی افراد و گروه های متعهد مختلف اقوام کشور
- تقویت و توسعه روابط با مردم و مقام های منطقه در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی
- گسترش برنامه های رادیویی و تلویزیونی با تأکید بر مشترکات فرهنگی، اجتماعی و ...
- استفاده بهینه از تنوع قومی- فرهنگی به عنوان یک فرصت
- امکان سنجی انتخاب مدیران محلی از میان مناطق و استان ها
- ایجاد کانال های مختلف ارتباطی با مقام های اقلیم کردستان و طرح موضوع های مورد اختلاف



## ۲-۱-۲. وضعیت حقوق اقلیت ها (در اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران)

رعایت آزادی و حقوق اقلیت ها در قانون اساسی هر کشوری نیز می تواند در مشروعیت سیاسی آن کشور تأثیر داشته باشد. در جمهوری اسلامی ایران حقوق اقلیت ها در چارچوب قانون اساسی محترم شمرده شده است. در مجلس، هر یک از اقلیت ها دارای نماینده ای مستقل هستند و می توانند به کتاب مقدس خود سوگند یاد کنند. اقلیت ها در ایران در انجام مراسم دینی خود آزاد و در احوال شخصی بر عمل کردن طبق آیین خود مجاز می باشند. فعالیت های دینی مانند برگزاری مراسم مذهبی، فعالیت های فرهنگی مانند تأسیس مدارس و هنرکده و آموزش زبان برای آنها مجاز و همچنین مانند سایر ایرانی ها از یارانه نقدی نیز برخوردار هستند.

در اقلیم کردستان نیز اقلیت ها از مجموع ۱۱۱ کرسی پارلمان دارای ۱۱ کرسی می باشند ([www.krg.com](http://www.krg.com)). اقلیت ها در اقلیم کردستان آزادی فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مربوط به مراسم خود را دارند. اقلیت ترکمن دارای احزاب سیاسی خود هستند و در فضای سیاسی و انتخابات اقلیم فعالیت می کنند. در مجموع فعالیت اقلیت ها در اقلیم کردستان و ایران و آزادی و میزان مشارکت آنها در فعالیت های سیاسی، نسبتاً در یک سطح است و تأثیرگذاری چندانی بر یکدیگر ندارند و از این حیث به نظر نمی رسد که اقلیم کردستان عراق در وضعیت فعلی اش و حتی بعد از استقلال احتمالی تأثیری بر وضعیت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

## ۲-۲. مؤلفه دوم؛ وضعیت نظامی و امنیتی

همانند مشروعیت سیاسی، قدرت نظامی نیز از مؤلفه های امنیت ملی در هر کشوری محسوب می شود و در کشورهای همجوار، کشوری که از قدرت نظامی بیشتری برخوردار است می تواند تهدیداتی را برای سایر کشورهای همسایه به وجود آورد. کشور ایران از نظر قدرت نظامی در سطح خوبی قرار دارد؛ دارای نیروی زمینی، هوایی و دریایی توانمند و سلاح ها و تجهیزات سنگین و دوربرد زیادی است. نیروی هوایی ایران دارای خلبان های ورزیده و صدها فروند هواپیمای عملیاتی است. در نیروی زمینی نیز تجهیزات سنگین زیادی از جمله هلیکوپتر، تانک، نفربر، خمپاره اندازهای مختلف، موشک های دوربرد مختلف و سایر تجهیزات دیگر است. نیروی دریایی نیز با ساخت ناوهای جنگی و داشتن تجهیزات جنگی مناسب به یک نیروی راهبردی در منطقه تبدیل شده است و در مجموع تجربه هشت سال دفاع مقدس، نیروی نظامی جمهوری اسلامی ایران را توانمند و قدرتمند نموده است. از نظر تجهیزات نظامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران دارای استعداد نیروی انسانی بالغ

بر ۵۳۴ هزار نفر در حال خدمت و ۴۰۰ هزار نفر نیروی ذخیره است. ایران دارای ۱۳۱۵ خودروی زرهی، ۱۶۱۶ تانک، ۱۴۷۴ خودروی راکت انداز، ۱۳۷ هواپیمای جنگی، ۷۹ هواپیمای بمب افکن، ۱۳۷ جت جنگنده، ۱۳۸ هلیکوپتر جنگی و لجستیکی، ۳۳ زیردریایی، ۱۰ ناو جنگی، ۸ ناوچه جنگی و کروز، دارای ۳ بندر اصلی و ۳۱۹ فرودگاه فعال است (سایت اقتصادنیوز، ۹۸/۹/۲).

همچنین لازم به ذکر است که وب سایت نظامی "گلوبال فایر پاور" جدیدترین رده‌بندی خود از قدرت و بزرگی ۱۳۷ ارتش مدرن جهان را در سال ۲۰۱۹ با در نظر گرفتن ۵۵ شاخص منتشر کرده که نیروهای نظامی ایران در این رده‌بندی در جایگاه ۱۴ قرار گرفته است. در این رده بندی در کشورهای خاورمیانه تنها دو ارتش مصر و ترکیه در جایگاهی برتر از ایران قرار گرفته‌اند و سایر کشور های منطقه حتی عربستان و رژیم صهیونیستی نیز در رده های پایین تر از ایران قرار دارند (سایت Sputniknews، ۲۰۱۹/۳/۷). نکته جالب این است که در این رتبه بندی و آمار بالا، تجهیزات و امکانات سپاه پاسداران و نیروی های بسیج لحاظ نشده است. این موضوع نشان دهنده توان بسیار بالای جمهوری اسلامی ایران در بُعد نظامی و امنیتی است.

اما در مقابل، نیروی نظامی اقلیم کردستان از نظر تجهیزات و تعداد نیروی نظامی قابل مقایسه با ایران نیست. اقلیم کردستان نیروی هوایی و دریایی ندارد و نیروی زمینی آن هم تعداد محدودی تانک، نفربر و توپ و سلاح های خمپاره انداز در اختیار دارد. مجموع نیروی نظامی اقلیم کردستان در حدود ۱۱۰ هزار نفر نیروی نظامی است. عمده ترین و مهمترین تجهیزات اقلیم کردستان (مجموع تجهیزات اتحادیه میهنی و دموکرات) حدود ۱۰۰ دستگاه انواع نفربر زرهی و ۱۰۰ دستگاه تانک، ۵۰ دستگاه توپ های ۱۷۵، ۱۲۰، ۱۰۶ میلیمتری و ۸۰ اراده توپ های ۱۰۵، ۱۳۰ و ۱۵۵ میلیمتری می باشد (سانیار، ۱۳۹۵: ۲۲۴) که به هیچ وجه قابل مقایسه با قدرت نظامی جمهوری اسلامی نمی باشد. لذا از بعد نظامی تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی نمی تواند داشته باشد اما گاهی ضعف نظامی همسایگان نیز می تواند تبعات منفی امنیتی را در بر داشته باشد.

جدول شماره (۲): مقایسه قدرت نظامی ایران و اقلیم کردستان عراق

جمهوری اسلامی ایران		اقلیم کردستان عراق
<b>سرباز</b>		
۵۳۴۰۰۰	در حال خدمت	۱۱۰۰۰۰
۴۰۰۰۰۰	ذخیره	۴۰۰۰۰
<b>نیروی زمینی</b>		
۱۳۱۵	خودروی زرهی	۱۹۰
۱۶۱۶	تانک	۱۰۰
۱۴۷۴	راکت انداز	۱۳۰
<b>نیروی هوایی</b>		
۱۳۷	هواپیمای جنگی	۰
۷۹	بمب افکنی	۰
۱۳۷	جت جنگنده	۰
۱۲۸	هلیکوپتر جنگی	۰
<b>نیروی دریایی</b>		
۳۳	زیردریایی	۰
۱۰	ناو	۰
۵	ناوچه	۰
۳	کروز	۰
<b>لجستیک</b>		
۳	بنادر اصلی	۰
۳۱۹	فرودگاه فعال	۲

از نظر امنیتی، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی اقلیم کردستان که متعلق به دو حزب اتحادیه میهنی و دموکرات، تحت عنوان زانیاری و پاراستن دارای ساختار مناسبی نیستند و اغلب به صورت سنتی کار می کنند. سیستم اطلاعاتی عراق به دلایل امنیتی اجازه فعالیت زیاد به سیستم های اطلاعاتی اقلیم را نمی دهد و اغلب فعالیت آنها در حوزه های داخلی و تحت نظارت آمریکا و رژیم صهیونیستی برای جمع آوری اطلاعات از کشورهای همسایه بلاخص ایران می باشد. در طرف مقابل سیستم های اطلاعاتی ایران به صورت منسجم و هدفمند مشغول به فعالیت در حوزه داخل و خارج از کشور هستند و اشراف خوبی در اقلیم کردستان دارند. ایران دارای چند سازمان اطلاعاتی-

امنیتی است که از آن می‌توان به واجا<sup>۷</sup>، ساحفاجا<sup>۸</sup>، ساحفاسا<sup>۹</sup>، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پلیس اطلاعات و امنیت عمومی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را نام برد. سیستم‌های اطلاعاتی در ایران برخلاف سیستم‌های اطلاعاتی اقلیم کردستان از ابزارهای فنی پیشرفته برخوردار هستند که قابل مقایسه با سیستم‌های اطلاعاتی اقلیم نیستند (سلمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۸). کشور ایران از نظر اطلاعاتی در سطح منطقه از توانایی زیادی برخوردار است و تأثیرپذیری از سیستم‌های اطلاعاتی اقلیم کردستان ندارد و می‌تواند با توجه به توانمندیهای فنی و نیروی انسانی خود، حتی بعد از استقلال اقلیم نیز بر تحولات آن تأثیرگذار باشد.

اما علیرغم موارد مطروحه بالا، از نکات حائز اهمیت در این میان، می‌توان به نقش آمریکا و اسرائیل در تعاملات با اقلیم کردستان اشاره نمود. علاوه بر همکاری اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی اسرائیل با اقلیم کردستان، حمایت‌های رسمی نظامی و امنیتی ایالات متحده آمریکا و آموزش نیروهای این اقلیم نیز از نکات قابل تأملی است که می‌توان در این بخش به آن اشاره نمود. با توجه به دشمنی دیرینه اسرائیل و آمریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران، دور از ذهن نخواهد بود که این همگرایی و همکاری‌های نظامی و امنیتی فی مابین آنها در زمان بحران منجر به چالشی اساسی برای ایران گردد. پیرامون تحولات اخیر در هیأت دولت اقلیم کردستان در سال اخیر، هیأتی از وزارت خارجه آمریکا در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸، به این اقلیم سفر و با مسئولان آن دیدار کردند. در آن دیدار، این هیأت حامل پیامی از سوی «مایک پمپئو» -وزیر خارجه آمریکا- برای «مسعود بارزانی» رهبر حزب دموکراتیک کردستان و رهبران حزب اتحادیه میهنی کردستان بوده که گردها باید موضع خود را مشخص و تعامل سیاسی و تجاری با ایران را متوقف کنند. در این پیام آمده بود که تعامل سیاسی و تجاری با ایران، به ضرر منافع منطقه کردستان عراق است؛ به ویژه اینکه آمریکا از نیروهای نظامی موسوم به «پیشمرگه» حمایت نظامی و مالی می‌کند. این هیأت در پایان تأکید نمودند که رهبران گُرد در وضعیت دشواری قرار گرفته‌اند؛ به ویژه اینکه ایران نفوذ زیادی در مناطق تحت سیطره اتحادیه میهنی در سلیمانیه و حلبچه دارد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۹۸/۲/۲۰). در واقع سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال ایران برای تحت فشار

<sup>۷</sup> . وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

<sup>۸</sup> . سازمان حفاظت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران

<sup>۹</sup> . سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی f

قرار دادن هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. در وضعیت فعلی اقلیم کردستان که هنوز محدود به برخی قواعد قانونی کشور عراق است، نفوذهای آمریکا و اسرائیل صرفاً در ابعاد اقتصادی و افزایش تحریم ها نمود داشته اما مشخص نیست که آیا در شرایطی که اقلیم به کشوری مستقل تبدیل گردد و ادعای دیرینه آنها نسبت به تصاحب مناطق کردنشین ایران مطرح شود، واکنش این کشورها در تداوم حمایت و همگرایی با این اقلیم چگونه خواهد بود. بی شک با توجه به شرایط فعلی موجود، هرگونه تحرک اقلیم علیه جمهوری اسلامی ایران با حمایت های نظامی و امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی مواجه خواهد شد.

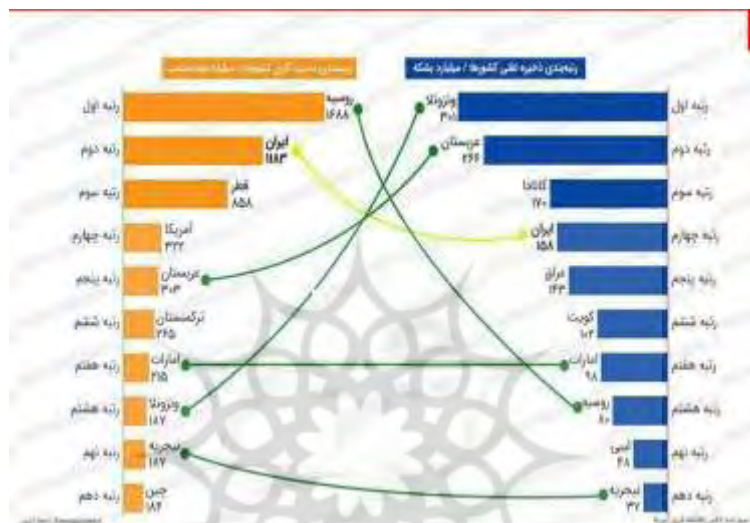
### ۲-۳. مؤلفه سوم؛ وضعیت اقتصادی

اقتصاد مناسب و رو به رشد در هر منطقه یا کشوری تأثیر زیادی در رفاه اجتماعی و رضایتمندی مردم آن منطقه دارد. کشورهایی که از اقتصادهای تک محصولی برخوردار هستند با نوسان ها و مشکلات زیادی مواجه خواهند شد. کشور جمهوری اسلامی ایران نیز بخش عمده درآمد اقتصادی آن از نفت و گاز تأمین می شود. بخش عمده صادرات ایران بر پایه نفت و گاز می باشد و در سال ۲۰۱۹ با وجود تحریم های آمریکا در کمترین حالت این صادرات ۳۵ درصد درآمد دولت را به خود اختصاص داده است (مشرق نیوز، ۹۸/۲/۲۱).

مشکلات اقتصادی در نتیجه ترکیبی از کنترل قیمت ها و یارانه ها به ویژه در بحث مواد غذایی و انرژی باعث سنگینی اقتصاد شده و موانع زیادی سبب تضعیف رشد بخش خصوصی در ایران گردیده است. بنا بر گزارش مرکز آمار ایران، تورم در فروردین ماه سال ۱۳۹۸ با رشدی ۳,۷ درصدی نسبت به اسفند ماه ۱۳۹۷ به ۳۰,۶ درصد رسیده است. همچنین این گزارش نشان می دهد که نرخ تورم خوراکی ها به ۴۳,۵ درصد افزایش یافته است (تابناک، ۹۸/۲/۳). پیش بینی کارشناسان و گزارش های بین المللی در مورد نرخ تورم در سال جاری روند خوبی را از این نرخ نشان نمی دهد. این نرخ رشد بسیار کمتر از نرخ رشد جهانی و منطقه ای است. کمبود سرمایه گذاری خارجی، بیکاری افراد تحصیل کرده و بالا بودن نرخ بیکاری و همچنین کاهش قدرت خرید مردم مشکلات اقتصادی زیادی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده و با توجه به منابع غنی نفت و گاز و پتانسیل های زیادی که در کشور وجود دارد، اقتصادی پویاتر مورد انتظار است. گرچه وجود برخی مشکلات بی تأثیر از تحریم ها نیست اما نداشتن سیاست اقتصادی و نبود نرخ ارز ثابت

و سایر موارد دیگر مشکلات اقتصادی زیادی را در ایران ( که برابر سند چشم انداز در نظر دارد به قدرت اول اقتصادی منطقه تبدیل شود) ایجاد کرده است.

**تصویر شماره (۱): ذخایر نفت و گاز ایران در مقایسه با دیگر کشورها**



آژانس اطلاعات انرژی آمریکا اعلام کرد: کشور ایران دارای چهارمین ذخایر اثبات‌شده نفت خام و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان است (اقتصادنیوز، ۹۷/۲/۳۰). در داخل کشور زمین های کشاورزی، نیروی کار جوان و زمینه رشد اقتصادی زیادی وجود دارد که با توجه به پتانسیل های موجود نتوانسته در حد انتظار آرامش و پیشرفت اقتصادی را در کشور فراهم کند. وضعیت اشتغال در اکثر استان های کشور منفی است. برابر اعلام مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در کشور ۱۰٫۸ درصد در سال ۱۳۹۸ بوده است. رشد فرصت های شغلی و تعداد کل شاغلین در استان های کشور مناسب نبوده و به طور مثال در استان کردستان تعداد کل شاغلین در سال ۱۳۸۸، ۴۳۱۰۴۳ نفر و در سال ۱۳۹۱، ۴۲۹۲۷۳ نفر و در استان کرمانشاه تعداد شاغلین در سال ۱۳۸۸، ۵۹۰۶۹۸ نفر و در سال ۱۳۹۱، ۵۹۰۶۶۷ نفر اعلام شده است که با توجه به رشد جمعیت در این استان ها فرصت های شغلی کافی ایجاد نشده است (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۴۶). توانمندی ها و زیرساخت های اقتصادی در ایران دارای پتانسیل های زیادی است اما روند حرکت به آینده از سرعت مناسبی برای داشتن اقتصادی پویا و رو به رشد برخوردار نیست.

در اقلیم کردستان عراق ۴۵ میلیارد بشکه نفت خام وجود دارد و اغلب بودجه آن از طریق فروش نفت تأمین می شود. در سال های اخیر مسئولین اقلیم با افزایش ارتباط با کشورهای همچون ترکیه، رژیم صهیونیستی، آمریکا و ... قراردادهای نفتی جداگانه ای را بدون موافقت با دولت مرکزی عراق منعقد نموده و شرکت های نفتی زیادی را به این منطقه آورده که در توسعه اقتصادی آن نقش زیادی را خواهند داشت و مسئولین اقلیم در نظر دارند ظرفیت تولید روزانه نفت این منطقه را تا سال ۲۰۱۹ به دو میلیون بشکه در روز برسانند. وجود شرکت های نفتی بزرگی مانند اکسون موبیل آمریکا، جنرال انرژی ترکیه، آنگو و گلف کیستون از انگلیس و ... در افزایش صادرات نفت این منطقه مؤثر بوده است. بیش از ۵۰ شرکت نفتی از ۱۹ کشور مختلف در این منطقه فعال هستند و وجود این شرکت ها باعث ارتباط اقلیم کردستان با کشورهای دیگر و توسعه اقتصادی اقلیم شده و همچنین اقلیم را از تنگنای ژئوپلیتیکی خارج خواهد کرد (همو). از طرف دیگر تأسیس بانک ها و شرکت های تجاری مختلف زمینه رشد و توسعه و ایجاد فرصت شغلی در این منطقه را فراهم نموده و حتی افراد زیادی از استان های کردنشین ایران برای کار به اقلیم کردستان می روند. گرچه از نظر زیرساخت ها و تجربه کار اقتصادی منطقه اقلیم با کشور ایران قابل مقایسه نیست اما این منطقه با سرمایه گذاری های ایجاد شده روند رو به رشد خوبی را طی می کند و حتی در مواردی از این منطقه به دبی دوم در آینده یاد می کنند (خاکسار و رضایی، ۱۳۹۳: ۹۲).

در سال های اخیر روابط تجاری بین ایران و اقلیم کردستان عراق نسبت به گذشته افزایش داشته است. در سال ۱۳۹۷ با حضور شرکت ها و تجار ایرانی در نمایشگاه بین المللی سلیمانیه، ۷ قرارداد تجاری جدید با شماری از تجار و بازرگانان سلیمانیه منعقد گردید و به امضا رسید. این قراردادها در محل اتحادیه صادرات و واردات اقلیم کردستان عراق در شهر سلیمانیه به امضا رسید. بنابر اظهارات مصطفی عبدالرحمان، رئیس اتحادیه صادرات و واردات اقلیم کردستان، تجار ایرانی و اقلیم کردستان در نمایشگاه بین المللی سلیمانیه توانسته اند به نوعی از تفاهم همکاری مشترک برسند و قراردادهایی را در زمینه های مواد غذایی، وسایل برقی، وسایل تزئینی و لوازم خانگی امضا نمایند. شرکت های ایرانی تلاش می نمودند حجم صادرات خود به اقلیم کردستان را افزایش دهند (جام کوردی، ۹۷/۹/۷). علاوه بر این در سال های گذشته نیز قراردادهای مختلفی فی مابین ایران و اقلیم کردستان عراق در زمینه های مواد نفتی، همکاری علمی وزارت علوم و ... منعقد شده بود اما دخالت های اسرائیل و آمریکا در اقلیم و منطقه سبب ایجاد تنش هایی بین این دو منطقه

گردیده و پروژه همگرایی بیشتر بین اقلیم کردستان عراق و ایران را با چالش روبرو می‌ساخت. آمریکا در سال اخیر یکی از شروط ادامه همکاری‌های امنیتی و نظامی با اقلیم کردستان را قطع کامل روابط این منطقه با کشور ایران اعلام و از این رو بارها دولت بارزانی را بر سر دو راهی تصمیم قرار داده است. بی‌شک دولت اقلیم برای عبور از این بحران، مسیری را در پیش خواهد گرفت که منافع بیشتری داشته و مانع از بروز هرگونه تهدید در آن منطقه گردد.

علی‌ای حال در یک جمع بندی کلی می‌توان عنوان داشت که همسایگی اقلیم کردستان با کشور ایران سبب تأثیرپذیری آنها از یکدیگر در زمینه‌های مختلف (از جمله از طریق اقتصادی) می‌شود. منطقه کردستان عراق دارای مرز مشترک با مناطق کردنشین ایران است. در داخل کشور ایران، خصوصاً در مناطق کردنشین آن، رشد و توسعه اقتصادی مورد انتظار صورت نمی‌گیرد و در طرف دیگر در اقلیم کردستان، توسعه اقتصادی روبه رشد مناسبی را دنبال می‌کند و این موضوع می‌تواند تأثیر منفی بر امنیت ملی ایران خصوصاً در مناطق کردنشین داشته باشد. جایگاه کردستان ایران در بین استان‌های کشور از نظر رشد اقتصادی در رده‌های آخر است که مسلماً به دلیل هم مرز بودن، هم قوم و هم نژاد بودن و مقایسه وضعیت اقتصادی خود با یکدیگر، تأثیر منفی بر مناطق کردنشین ایران خواهد داشت.

#### ۴-۲. مؤلفه چهارم؛ منابع طبیعی حیاتی و زیست محیطی

همانگونه که در بحث‌های پیشین به آن اشاره شد از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در امنیت ملی بر اساس مکتب کپنهاگ، منابع طبیعی حیاتی و زیست محیطی در هر کشور است. منابع طبیعی حیاتی از اهمیت خاصی برخوردار است. از جمله منابع طبیعی حیاتی در هر کشوری منابع آبی، منابع جنگلی و منابع نفتی می‌باشد که کمبود و یا نبود آنها در امنیت ملی کشور می‌تواند تأثیرگذار باشد. از جمله مهمترین عوامل حیاتی محیط زیست، آب است. در واقع برای توسعه یک کشور آب اهمیت زیادی دارد. میانگین بارش سالانه کشورمان ۲۴۰ میلی‌متر است (حدود ۱/۳ میانگین بارندگی کره زمین) که این خود می‌تواند ارزش‌های حیاتی مناسبی را به بار آورد. در قسمت شمال کشور، دریای خزر و در قسمت جنوب، خلیج فارس از جمله منابع آبی مناسبی هستند که ضمن وجود منابع نفت و گاز فراوان و ایجاد فرصت حمل و نقل دریایی، سبب توسعه شیلات در این دو منطقه شده است. بعد از انقلاب در رابطه با ساخت سد و ذخیره سازی آب اقدامات بسیار خوبی انجام شده



و در اغلب استان ها و محل های موردنیاز، سدهای زیادی احداث شده است (بانک مطالعات منابع طبیعی، ۱۳۹۱: ۳۳).

جنگل ها نیز از جمله مهمترین ثروت های طبیعی ایران هستند. جنگل های ایران در شمال در حد متراکم و در دیگر نقاط به صورت پراکنده مشاهده می شوند در مناطق شمال ایران جنگل ها به صورت متمرکز و در منطقه غرب و جنوب غرب و حتی شمال شرق به صورت پراکنده قرار دارند که از منابع مهم کشور محسوب می گردند.

در بیان اهمیت جنگل ها باید گفت که از هر هکتار جنگل های شمالی سالانه تا ۱۱ میلیون مترمکعب چوب به دست می آید. از موارد دیگر اهمیت جنگل، محافظت از خاک است. اصولاً در یک ناحیه ارتباط تنگاتنگی بین جنگل و پوشش گیاهی آن با فرسایش خاک وجود دارد. از سوی دیگر، جنگل در اعتدال آب و هوایی نقش اساسی ایفا می کند. به طور کلی پوشش گیاهی و به ویژه جنگل ها به عنوان ریه تنفسی محیط زیست محسوب می شود که برای بسیاری از باکتری ها و قارچ های تک سلولی و نیز برخی از حشرات مضر، خطرناک است. در واقع جنگل ها و منابع طبیعی اهمیت زیادی در سلامت محیط زیست، اقتصاد و توسعه هر کشور دارد.

در اقلیم کردستان نیز به لحاظ نوع آب و هوا، زمین های حاصل خیز و جنگل های مناسبی وجود دارد و بارش باران و برف به دلیل کوهستانی بودن اغلب مناطق آن به خوبی انجام و مشکل خاصی از نظر بارندگی وجود ندارد اما کار ذخیره سازی آب در این منطقه به خوبی انجام نشده است (مرادی، ۱۳۹۲: ۲) و در حال حاضر با ساخت ۱۲ سد، توانایی ذخیره سازی ۸۷ میلیون مترمکعب آب را دارا می باشند. طبق آمار محیط زیست اربیل بارش باران تا قبل از سال ۱۹۸۲ بین ۴۵۰ تا ۶۵۰ میلی مترمکعب بوده و در سال ۲۰۱۹ بین ۱۵۰ تا ۴۵۰ میلی مترمکعب شده است. همچنین رودخانه خه بات که یکی از رودخانه های بزرگ در این منطقه است، در سال ۲۰۱۹ معادل ۲۲۳ مترمکعب آب داشته است. مقدار قابل توجهی از آب اقلیم کردستان از کشورهای همسایه مانند ایران (آب رودخانه های سیروان و زاب) و ترکیه (آب رودخانه های دجله و فرات) تأمین می شود و این وابستگی می تواند مشکلاتی را برای اقلیم ایجاد کند. کشورهای ایران و ترکیه با ایجاد سد در مسیر آب رودخانه و سرچشمه ها میزان آب ارسالی به اقلیم را کاهش داده اند و حتی ترکیه در مواردی از این موضوع به عنوان ابزاری استراتژیک استفاده و تا قطع کامل آب دجله و فرات پیش رفته است.

درمجموع در رابطه با منابع طبیعی حیاتی در کشور ایران و منطقه اقلیم کردستان عراق باید اذعان نمود که هر دو دارای منابع طبیعی حیاتی مناسبی هستند و اقلیم کردستان حتی بعد از استقلال نیز تأثیری از این طریق بر امنیت ملی ایران نخواهد داشت و حتی در خصوص تأمین آب وابستگی به ایران دارد.

## ۵-۲. مؤلفه پنجم؛ توانمندی اجتماعی و فرهنگی

بر اساس مکتب کپنهاگ، توانمندی های اجتماعی و فرهنگی در هر کشوری می تواند در تأمین امنیت پایدار آن کشور نقش زیادی داشته باشد و از هجوم فرهنگ های بیگانه جلوگیری کند. فرهنگ در هر کشوری نقش عمده ای در اقتدار ملی آن کشور دارد. ازجمله مهمترین عوامل تأثیرگذار فرهنگی، رسانه های گروهی و ارتباط جمعی است که می تواند فرهنگ و توانمندی های اجتماعی یک کشور را گسترش دهد. فرهنگ هر جامعه اساس تمدن آن محسوب می شود و در صورت خدشه دار شدن، هویت و تمدن آن جامعه آسیب خواهد دید. شاخصه های فرهنگی و رفتارهای اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران اغلب نشأت گرفته از دین و مذهب آن می باشد. اکثر انقلاب ها که رنگ بوی اسلامی دارند بیشتر یک انقلاب فرهنگی هستند و در ایران، فرهنگ جامعه با باورها و ارزش های دینی درآمیخته است (خاکسار و رضایی، ۱۳۹۳: ۹۸). انقلاب اسلامی دارای ایدئولوژی نشأت گرفته از اسلام است و درصدد صدور انقلاب و ترویج باورهای دینی در سراسر دنیا است و درواقع به دلیل صدور همین باورها و ارزش هاست که دشمنان نظام درصدد جنگ و فشار علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی برآمده اند. در ایران حوزه های علمیه و مراکز دینی فعال و نقش اساسی در فرهنگ و ارزش های دینی دارند. فرهنگ در جمهوری اسلامی برآمده از ارزش های اسلامی است که توان تأثیرگذاری در کشورهای همسایه را نیز دارد و از آن به عنوان یکی از مؤلفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می توان نام برد. در سال های اخیر رسانه های جمعی و شبکه های مختلف صداوسیما در ایران گسترش زیادی یافته که در افزایش توان فرهنگی و اجتماعی کشور نقش زیادی دارند (سایت وزارت ارشاد، ۱۳۹۳/۱/۶)

از سوی دیگر اقلیم کردستان نیز نسبت به گذشته از نظر اجتماعی و فرهنگی پیشرفت هایی داشته است اما در مقایسه با ایران از قدمت فرهنگی و توان تأثیرگذاری لازم برخوردار نیست. نقش دین و ارزش های دینی در اقلیم کردستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران کم رنگ است و ارزش

های دینی در آنجا مانند ایران نقش زیادی ندارد و از توان لازم برای تأثیرگذاری برخوردار نیست. در رابطه با رسانه های گروهی و نشریات در اقلیم در بخش های دولتی و غیر دولتی رسانه های زیادی به صورت نوشتاری و دیداری فعال هستند. تعداد روزنامه، مجله ها و فصل نامه های منتشره در حال حاضر در منطقه کردستان عراق بیش از ۱۹۰ شماره است. این تشریفات وابسته به احزاب و شخصیت های علمی و سیاسی و بخش های خصوصی بوده و امر اطلاع رسانی را به عهده دارند. تعداد شبکه های تلویزیون ماهواره و محلی ۳۸ شبکه و تعداد ایستگاه های رادیو در منطقه کردستان ۴۵ ایستگاه می باشد (سایت سرکنسولگری ایران در اربیل، بی تا) که گرچه نسبت به گذشته افزایش قابل توجهی داشته است اما از توان تأثیرگذاری در رابطه با ایران برخوردار نیست.

در مجموع به دلیل نوع ایدئولوژی و انقلاب در جمهوری اسلامی ایران (که نوعی انقلاب فرهنگی بود) و همچنین رهبری جهان اسلام توسط ایران، اقلیم کردستان در شرایط فعلی و حتی بعد از استقلال توان تأثیرگذاری فرهنگی بر جمهوری اسلامی را ندارد و حتی ایران با حمایت از گروه ها و احزاب اسلامی در اقلیم، می تواند با توجه به اشتراکات دینی و قومی بر ارزش ها و فرهنگ اقلیم کردستان تأثیرگذار باشد.

## نتیجه گیری

اغلب کشورهای خاورمیانه به لحاظ عقب ماندگی در زمینه های اقتصادی، علمی و نداشتن مشروعیت لازم همواره زمینه به وجود آمدن معضلات امنیتی در آنها وجود دارد و آنچه در خصوص معضلات امنیتی کشورهای خاورمیانه می توان بیان کرد این است که در کشورهای خاورمیانه رهیافت مکتب کپنهاگ بیشتر از رهیافت های دیگر مؤثر است. معضلات امنیتی کشورهای خاورمیانه را نمی توان با توسل به یک متغیر تنها (مثلا توان اقتصادی یا مشروعیت سیاسی) حل کرد و این معضلات توسط یک کشور و یا دولت تنها حل نمی شود و برخی از آنها مانند مشروعیت سیاسی باید توسط خود دولت ها برطرف شود و برخی نیز با کمک و همکاری دولت های مرتبط قابل حل است. در رهیافت مکتب کپنهاگ عوامل گوناگون غیرنظامی در کنار عوامل نظامی آورده می شود و برای برقراری امنیت از هر دو عامل استفاده می گردد و در واقع می توان گفت که از ابزارهای سخت افزار و هم نرم افزار برای برقراری امنیت استفاده می شود. مهمترین مؤلفه های ایجادکننده این نوع امنیت در خاورمیانه: توانمندی نظامی، مشروعیت سیاسی، توانمندی اقتصادی، مسائل

قومی و مذهبی، توانمندی اجتماعی و فرهنگی و منابع طبیعی حیاتی و زیست محیطی هستند که در خصوص هر یک از آنها توضیحات لازم داده شده و میزان تأثیرگذاری هر یک از آنها بین اقلیم کردستان و جمهوری اسلامی ایران مقایسه شده است. در رابطه با مشروعیت سیاسی، رعایت حقوق اقلیت ها، توانمندی نظامی، منابع طبیعی حیاتی و توانمندی فرهنگی و اجتماعی اقلیم کردستان بدون کمک و همگرایی با کشورهای غیر؛ نظیر آمریکا و رژیم صهیونیستی نمی تواند تأثیر چندانی بر امنیت ملی ایران داشته باشد و حتی در مواردی تأثیرپذیر نیز می باشد. به عنوان مثال در توانمندی نظامی یا منابع طبیعی حیاتی، اقلیم کردستان نه تنها تأثیرگذار نیست بلکه تأثیرپذیری هم می تواند داشته باشد و تنها در رابطه با توانمندی اقتصادی و روند روبه رشد توسعه اقتصادی در اقلیم نسبت به روند روبه رشد توسعه اقتصادی در ایران می تواند تأثیرگذار باشد(خصوصاً مناطق کردنشین ایران) و چشم انداز اقتصاد ایران بخصوص در مناطق مرزی و استان های کردنشین در مقایسه با چشم انداز اقتصادی در اقلیم کردستان تأثیرپذیر خواهد بود و بر امنیت این منطقه تأثیر منفی خواهد گذاشت. علاوه بر این نکته ای که در رابطه با شرایط فعلی اقلیم کردستان(با توجه به اختیاراتی که به واسطه فدرالی شدن به دست آورده) قابل تأمل است، نداشتن امکانات نرم افزاری و سخت افزاری کافی برای پشتیبانی تهدید و تأثیرگذاری بر امنیت ملی کشورهای همسایه است. ساختار فدرالی بودن اقلیم کردستان اجازه انعقاد قراردادهای نظامی، اقتصادی و برقراری ارتباطات خارج از کنترل دولت مرکزی عراق را به مسئولین اقلیم نمی دهد و به همین دلیل نمی تواند در شرایط فعلی ارزش های حیاتی جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه کنند اما همانگونه که در این فصل به آن به صورت کامل اشاره شد، در صورت خارج شدن از دولت فدرالی و تشکیل کشور مستقل، می تواند با اتحاد، همکاری و همگرایی با سایر کشورهای مخالف سیاست های جمهوری اسلامی ایران، به عنوان تهدید و چالشی نوظهور برای امنیت ملی ایران مبدل گردد.

## منابع

### الف) منابع فارسی

- ادوارد ای (۱۳۸۹). امنیت ملی در کشورهای جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر و حسنعلی احمدی فشارکی (۱۳۹۵). «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۲۸-۱۲۶.
- امینی، انصار (۱۳۹۷). «اقلیم کردستان عراق و آینده ی پیش رو»، مرکز بین المللی مطالعات صلح. بانک مطالعات منابع طبیعی. ۱۳۹۱.
- بوژمهرانی، حسن و مهدی پوراسلامی (۱۳۹۳). «تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران»، فصلنامه جامعه شناسی جهان اسلام، شماره ۴ (دوره ۲)، صص ۸۷-۱۱۰.
- حافظ نیاء، محمدرضا و صادق قاسملو (۱۳۸۵). «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، نشریه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴ (دوره ۲۱)، صص ۳۶ - ۵.
- خاکسار، ذبیح ا... و داوود رضایی (۱۳۹۳). کردستان عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء(ص).
- زیباکلام، صادق و محمدرضا عبدالله پور (۱۳۹۰). «همگرایی کردها و شیعیان و تأثیر آنها بر سیاست گذاری ج.ا.ا»، فصلنامه سیاست، دوره ۱، شماره ۱.
- سانیار، میکائیل (۱۳۹۵). امکان سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و پیامدهای آن بر امنیت ملی ج.ا.ا، مرکز تهران غرب: نشر دانشگاه پیام نور.
- سایت اینترنتی اقتصادنیوز. ۱۳۹۸/۹/۲.
- سایت اینترنتی اقتصادنیوز. ۱۳۹۷/۲/۳۰.
- سایت اینترنتی باشگاه خبرنگاران جوان. ۱۳۹۸/۲/۲۰.
- سایت اینترنتی تابناک. ۱۳۹۸/۲/۳.
- سایت اینترنتی مشرق نیوز. ۱۳۹۸/۲/۲۱.
- سایت اینترنتی www.krg.com.
- سایت تحلیلی و خبری جام کوردی. ۹۷/۹/۷.
- سایت خبری Sputniknews. ۲۰۱۹/۳/۷.
- سایت سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در اربیل، بی تا.
- سایت وزارت فرهنگ و ارشاد. ۱۳۹۳/۱/۶.
- سلمانی، محمد (۱۳۹۶). «وضعیت نظامی و امنیتی ج.ا.ا و اقلیم کردستان عراق»، وبلاگ سوتنه دلان،

- طباطبایی، محمدجواد و سیدمحمد فتحی (۱۳۹۳). «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاگ»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی** شدن، سال پنجم، شماره چهاردهم.
- عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۰). «تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان های منطقه ای، جذب اسراییل در میدان مغناطیسی کردستان عراق»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۶۵، تابستان.
- فکوهی، ناصر و مجنون آموسی (۱۳۸۸). «هویت ملی و هویت قومی در کردستان: مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر»، **فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه**، شماره ۵، بهار و تابستان.
- قزاق، رمزی (۱۳۸۱). **تحلیلی تاریخی و جامعه شناختی بر جنبش های سیاسی و فرهنگی کرد**، ترجمه مسعود ایزدی، تهران: انتشارات آزاد اندیشان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). **کاربرد نظریه های روابط بین الملل**، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- لازریف م.سی (۱۳۸۱). **کردستان و کرد و علل ایجاد بحران**، ترجمه بهزاد خوشحالی، سنندج: نشر میدیا.
- محمدی، حمیدرضا؛ حسین خالیدی و ندیمه سلیم زاده (۱۳۸۹). «خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت های قوم گرایانه پیرامونی»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال ششم، شماره ۱، بهار، صص ۱۲۱-۱۳۸.
- مرادی، سید مهدی. ۱۳۹۲. **منابع تأثیرگذار در امنیت نوین**، تهران: نشر سمت.
- نصری مشکینی، قدیر و داوود رضایی (۱۳۹۲). «امکان سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه امنیت پژوهی**، زمستان، شماره ۴۴، سال دوازدهم: ۳۰-۵۶.
- هوشمند، احسان (۱۳۸۹). «تحولات کردستان عراق پس از انتخابات»، **چشم انداز ایران**، تیر و مرداد، شماره ۶۲.